

راه‌های اثبات عنن و بررسی فقهی و حقوقی آن

صدیقه حاتمی^۱

حسین داورزنی

چکیده

برای اثبات بیماری عنن علاوه بر راه‌های مذکور در فقه، می‌توان سه راه دیگر چون؛ گواهی پزشکی، شهادت شهود بر گواهی پزشکی و شهادت زنان سابق یا حاضر زوج بر ناتوانی جنسی وی، اضافه نمود. برخی از آثار فقهی و حقوقی این بیماری قابل انتقاد می‌باشد، به نظر می‌رسد در این بیماری حتی در صورت بروز بعد از نزدیکی، برای زن به دلیل ضرر «عدم امکان رابطه زناشویی» حق فسخ وجود داشته باشد و در صورت تشخیص پزشک متخصص به عدم امکان درمان این بیماری و دائمی بودن آن، ضرورتی برای یک سال مهلت دادن به زوج عنین وجود ندارد. لذا در صورت فسخ نکاح بدون این مهلت، زن استحقاق نصف مهر را نخواهد داشت. همچنین ناتوانی جنسی مرد نسبت به همسر خود به تنهایی موجب حق فسخ نکاح می‌شود و ضرورتی ندارد که قدرت جنسی مرد نسبت به زنان دیگر نیز امتحان گردد.

واژگان کلیدی

عنن، راه‌های اثبات عنن، بروز عنن بعد از نزدیکی، ناتوانی کلی از نزدیکی

^۱ - کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه الزهراء (نویسنده مسؤول)

مقدمه

از آنجا که خانواده رکن اساسی جامعه می‌باشد، لذا قوانین و مقررات آن برای قانون‌گذار از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، به گونه‌ای که در قانون مدنی بیشتر از هر مسأله دیگری به مباحث خانواده پرداخته شده است. به تبع آن قوانین مربوط به زوجین نیز بسیار با اهمیت بوده و یکی از این قوانین، حق فسخ نکاح برای زوجین می‌باشد. به دلیل اینکه قانون‌گذار سعی در استواری و استحکام خانواده دارد، از مجموع خيارات تنها دو خيار عیب و تخلف از شرط صفت را در نکاح جاری می‌سازد. یکی از عیوبی که به واسطه آن زن حق فسخ نکاح را پیدا خواهد نمود، بیماری عنن یا همان «ناتوانی جنسی مرد» می‌باشد. در جهان امروزی مسأله ناتوانی جنسی مردان به دلیل شیوع برخی از بیماری‌ها، مصرف مواد مخدر، انحرافات جنسی و مشکلات روحی- روانی نسبت به گذشته بسیار مبتلابه شده است، لذا تحقیق و پژوهش حقوقی در راستای این مسأله حائز اهمیت بسیاری می‌باشد. در این مقاله ضمن بررسی راه‌های اثبات عنن، برخی از آثار فقهی و حقوقی این بیماری مورد بحث و انتقاد قرار می‌گیرد. ابتدا به بررسی مفهوم عنن، علل، درمان و راه‌های اثبات آن پرداخته می‌شود، سپس ایراداتی که بر برخی از آثار فقهی و حقوقی این بیماری وارد است چون؛ بروز عنن بعد از نزدیکی، مهلت یکساله به مرد عنین و ... مورد بررسی قرار می‌گیرد.

راه‌های اثبات عنن و بررسی فقهی و حقوقی آن

کلیات

پیش از بررسی موضوع اصلی بحث، اشاره‌ای گذرا بر مفهوم عنن، علل و درمان آن خواهیم داشت.

۱- مفهوم عنن

عنن به اختلال میل جنسی در مردان و ناتوانی آنان در برخاستن آلت تناسلی مردانه و انجام وظیفه دایمی یا به مدت طولانی انجام عمل جنسی زناشویی گفته می‌شود (کیانی، ۱۳۸۹). تعریف دیگر نیز بدین شرح است: به عدم توانایی مداوم و راجعه (یا هردو) دستیابی یا حفظ نعوظ برای روابط جنسی

رضایت بخش اطلاق می‌شود (اسمیت، ۲۰۰۴م). عنن، بیماری است که مرد در اثر آن به دلیل عدم برخاستن آلت تناسلی مردانه، دائماً یا به مدت طولانی از نزدیکی با زنان به اندازه سر آلت ناتوان گردد. به مردی که دارای این بیماری باشد، عنین گویند (سبزواری، ۱۴۱۳ه ق، ج ۲۵، ص ۱۱۶؛ جبعی العاملی، ۱۴۱۳ه ق، ج ۸، ص ۱۰۴؛ انصاری، ۱۴۱۵ه ق، ص ۴۴۱؛ امامی، ۱۳۵۴، ج ۴، ص ۴۶۴؛ و ...). ملاک در بیماری عنن، عدم توانایی بر نزدیکی با زنان است. لذا اگر مردی بر زنان ناتوان اما قادر بر همجنس‌گرایی باشد و یا اگر آلت مرد برخاسته شود، ولی به دلیل تخلیه زودرس اسپرم قادر به نزدیکی نباشد، عنین محسوب می‌گردد. زیرا ملاک و آنچه روایات بر آن دلالت دارند، عدم توانایی بر نزدیکی با زنان است. در مفهوم عنن برخلاف نظر برخی از لغویین، قید عدم شهوت و تمایل به رابطه جنسی به زنان شرط نمی‌باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴ ه ق، ج ۱۳، ص ۲۹۱؛ فیومی، [بی تا]، ج ۲، ص ۴۳۳؛ طریحی، ۱۴۱۶ ه ق، ج ۶، ص ۲۸۳؛ و ...). زیرا آنچه در روایات آمده، مطلق عدم نزدیکی است و از قید عدم تمایل به رابطه جنسی، ذکری به میان نیامده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ه ق، ج ۲۱، کتاب نکاح، باب ۱۴، ح ۶ و ۱). همچنین فقها و حقوق‌دانان عنن را در همان معنای وسیع یعنی «عدم توانایی بر نزدیکی بر زنان» به کار برده‌اند، بدون اینکه به قید عدم شهوت و تمایل به زنان مقید کنند (محقق حلی، ۱۴۰۸ه ق، ج ۲، ص ۵۴۰؛ امامی، ۱۳۵۴، ج ۴، ص ۴۶۴؛ محقق داماد، [بی تا]، ص ۳۴۴ و ...). زیرا چه بسا شخصی تمایل به رابطه با جنس مخالف داشته باشد، اما ناتوان از نزدیکی باشد.

۲- علل بیماری عنن

در سال ۱۹۵۰ بر این باور بودند که ۹۰٪ موارد ناتوانی جنسی منشاء روانی دارد. اکنون اکثر مؤلفین معتقدند که مخلوطی از دلایل ارگانیک (عضوی) و روانی، شایع‌ترین علل هستند.

دسته بندی جدید اختلالات نعوظی که توسط جامعه بین‌المللی تحقیقات ناتوانی جنسی پیشنهاد نموده، شامل ۳ طبقه بندی بزرگ است که هر کدام به گروه‌هایی تقسیم شده‌اند. طبقه بندی اصلی شامل اختلالات روانی، عضوی و

تلفیق عضوی و روانی می‌باشد. طبقه اول شامل دو گروه بزرگ نوع روانی و مشروط است. طبقه عضوی نیز شامل نوع: نروژنیک (عصبی)، هورمونال، شریانی، وریدی و دارویی است (اسمیت، ۲۰۰۴م).

۱- روانی:

الف) نوع ژنرالیزه. شامل: عدم پاسخ ژنرالیزه (عدم برانگیختگی جنسی اولیه، کاهش برانگیختگی جنسی اولیه)؛ مهار ژنرالیزه (اختلال مزمن در نزدیکی جنسی).

ب) نوع مشروط. شامل: وابسته به شریک جنسی (عدم برانگیختگی جنسی در ارتباط خاص، عدم برانگیختگی جنسی به دلیل انتخاب شی جنسی، مهار مرکزی بالا به دلیل ناسازگاری یا تهدید شریک جنسی)؛ وابسته به عملکرد (وابسته به اختلال‌های جنسی دیگر مثل انزال سریع، اضطراب عملکردی مشروط مثل ترس از عدم توانایی)؛ استرس روانی یا مربوط به تطابق (وابسته به شرایط خلقی منفی مثل افسردگی، استرس‌های عمده زندگی مثلاً مرگ شریک جنسی)

۲- عضوی (نروژنیک (عصبی)، هورمونال، شریانی، وریدی، دارویی)

۳- تلفیق عضوی و روانی (شایعترین)

۳- درمان بیماری عنن

درمان‌های ناتوانی جنسی به چهار گروه تقسیم می‌شوند:

۱- درمان‌های دارویی: برای درمان دارویی ناتوانی جنسی، به سه روش می‌توان داروها را تجویز نمود: خوراکی، تزریق به داخل مجرای آلت، تزریق به داخل ریشه آلت. علاوه بر داروهای شیمیایی، داروهای گیاهی چون مکمل گیاه ژینگو، روغن اسانس یاسمن، اسانس گل میمونی صورتی، اسانس گل میمونی چسبنده گل و گل داروی شیرمرغ نیز برای درمان ناتوانی جنسی وجود دارد (گاتلیب، ۱۹۹۵م، ص ۳۹۰ و ۳۹۱).

۲- درمان‌های روانشناختی: درمان نوع روانی این بیماری با برطرف شدن مسأله روانی یا اختلال رابطه و رفتار، امکان پذیر است.

۳- درمان‌های جراحی: در موارد بسیار نادری که ناتوانی جنسی با درمان‌های دارویی و روانشناختی بهبود نمی‌یابد، جراح اورولوژی وارد عمل می‌شود. این جراحی‌ها شامل پمپ مکش یا واکيوم و پیوند آلت مصنوعی می‌باشد (اسمیت، ۱۹۰۹ م، ص ۱۸۶-۱۸۹؛ صمدانی فرد، حسین و محمد، ۱۳۸۹، ص ۷۳-۸۱؛ دی وی، ۲۰۰۸، ج ۲، ص ۵۰-۵۲).

۴- تغذیه درمانی: با رژیم غذایی توصیه شده از جانب پزشک می‌توان تا حدودی ناتوانی جنسی را بهبود بخشید. مصرف آب، میوه‌جات تازه مانند انگور، پرتغال، سیب، هلو، گلابی، آناناس، هندوانه، سبزیجاتی چون هویج، خیار، لبو و اسفناج، حبوبات، لبنیات، سیر، عسل، پیاز، کشک و غذاهای غنی از ویتامین‌های آ، ب، ث، ای برای درمان ناتوانی جنسی بسیار مفید می‌باشد. بیمار باید تا حد ممکن از مصرف چای، قهوه، غذاهای تصفیه شده، غذاهای کنسرو شده، آرد و شکر سفید و محصولات آن‌ها پرهیز کند (محتشمی توتکابنی، ۱۳۸۵، ص ۴۵ و ۴۶).

باید به خاطر داشت بر طرف نمودن علت بیماری، درمان‌های هورمونی و روش‌های درمانی روانی- جنسی نیز از روش‌های دیگر درمان است.

راه‌های اثبات عنن

در خصوص روش اثبات عنن، قانون مدنی ساکت می‌باشد. با توجه به اینکه در دعوای عنن زن مدعی و مرد منکر می‌باشد، مطابق قاعده «البینه للمدعی و الیمین لمن انکر» زن باید مدعی خود را با شاهد به اثبات برساند، در غیر این صورت منکر با قسم، دعوای مدعی را رد خواهد کرد. اما در مورد عنن چون این بیماری بر خلاف عیوب دیگر فسخ نکاح از عیوب مخفی و پنهانی است و جز از طریق خود شخص قابل تشخیص نمی‌باشد، لذا فقهای امامیه شهادت شهود را که باید از روی علم قطعی باشد، برای اثبات این بیماری نپذیرفته و راه‌های اثبات عنن را سه مورد بیان نموده‌اند: ۱- اقرار زوج ۲- شهادت شهود بر اقرار زوج به عنن

نزد آنها ۳- خودداری زوج از قسم. برخی معتقدند که با خودداری منکر از قسم، عنن ثابت می‌شود و برخی نیز معتقدند که قسم باید به مدعی (زوجه) رد شود و در صورت قسم خوردن زوجه، عنن ثابت می‌شود.^۱ در این صورت قسم مردوده به منزله اقرار زوج می‌باشد نه شهادت بر عنن که معتبر نمی‌باشد (بحرانی، ۱۴۰۵ ه.ق، ج ۲۵، ص ۳۹۲؛ جبعی العاملی، ۱۴۱۳ ه.ق، ج ۸، ص ۱۳۱؛ محقق داماد، [بی تا]، ص ۳۴۷ و ...).

به نظر می‌رسد علاوه بر راه‌های مذکور با توجه به ادله اثبات دعوا در قوانین اسلامی بتوان به این سه راه، سه طریق دیگر اضافه نمود: ۱- گواهی پزشکی ۲- شهادت شهود بر گواهی پزشکی ۳- شهادت زنان سابق یا حاضر زوج بر ناتوانی مرد از نزدیکی.

گواهی پزشکی: از سیاق ماده ۴۴۴ قانون آ.د.م.^۲ الزامی بودن رجوع به کارشناس در مواردی که نیاز به کسب نظر کارشناس باشد، استنباط می‌شود و معقول هم به نظر نمی‌رسد که بپذیریم در امری که اظهار نظر پزشک ضرورت دارد، دادگاه در ارجاع آن امر به کارشناس مختار باشد. زیرا علم از طریق پزشکی قانونی برای قاضی، بیش از سایر راه‌ها معتبر است و دلایل شرعی دیگر مانند اقرار، شاهد و قسم در مرحله بعد قرار دارند. امروزه با پیشرفت علم پزشکی در بخش‌های اورولوژی با استفاده از برخی آزمایشات، بیماری عنن قابل تشخیص می‌باشد. این آزمایشات عبارتند از: ۱- آزمایش حالت نعوظ شبانه یا N.P.T ان-پی-تی ۲- آزمایشات روان سنجی ۳- اندازه گیری فشار خون آلت ۴- رادیوگرافی با تزریق ماده حاجب از شریان‌های آلت یا آرتریوگرافی که ناهنجاری‌های عروق شریانی آلت را نشان می‌دهد. ۵- سونوگرافی داپلر ۷- تست‌های عصبی ۸- رادیوگرافی با ماده حاجب از اجسام غاری آلت (اسمیت، ۱۹۰۹ م، ص ۱۸۷ و ۱۸۸). در نتیجه از طریق این آزمایشات می‌توان به عنین بودن یا سالم بودن شخص مورد آزمایش علم حاصل نمود. به همین دلیل نظر کارشناس در این امر یعنی، وضع علم نسبت به عنن زوج، دلیل قطعی می‌باشد. در واقع مهم‌ترین دلیل در دعوی اثبات عنن، اظهار نظر پزشک قانونی می‌باشد. لذا دادگاه می‌تواند خود رأساً یا به دادخواست اصحاب دعوا (ماده ۲۵۷ قانون آ.د.م) قرار ارجاع به

کارشناسی را صادر و در این خصوص نظر کارشناس را مطالبه نماید و رد نظر پزشک بدون دلیل کاری عبث و بیهوده بوده و ممکن است باعث اضرار یا ضایع شدن حق فرد شود. همانند برخی از فقها و حقوقدانان که با وجود اهمیت بسیار زیاد گواهی پزشکی در اثبات بیماری عنن، نظر پزشک را در بیماری مزبور نپذیرفته‌اند (محقق داماد، [بی تا]، ص ۳۴۸؛ نجفی، [بی تا]، ج ۳۰، ص ۳۵۳) ناگفته نماند که مسلماً پذیرش نظر کارشناس از سوی دادگاه به دلیل اینکه شرایط شهادت را در بر ندارد و موضوعاً با آن فرق دارد، از باب شهادت نیست، بلکه از باب سیره و رویه عقلا در رجوع جاهل به عالم در اموری که احتیاج به رأی و نظر کارشناس دارد، می‌باشد.

علت اینکه ائمه یا فقهای متقدم روش گواهی پزشکی را در شمار راه‌های اثبات عنن نیاورده‌اند، این بوده که در آن زمان، علم پزشکی همانند امروزه پیشرفته نبوده تا عنین بودن مرد از طریق آزمایش قابل تشخیص باشد. همچنین اینکه برخی از فقهای متقدم عنن را از راه‌های چون؛ نشستن مرد در آب سرد و سه روز ماهی تازه خوردن زوج، قابل اثبات می‌دانند- اگرچه بیشتر فقها این راه‌ها را برای تشخیص عنن معتبر نمی‌دانند، به دلیل اینکه از این راه‌ها قطع به دست نمی‌آید (جبعی العاملی، ۱۴۱۳ ه ق، ج ۸، ص ۱۳۳؛ حسینی روحانی، ۱۴۱۲ ه ق، ج ۲۲، ص ۹۸ و ۹۹). این خود دلیلیست بر اینکه از نظر فقها اگر از راه‌های معتبر دیگر غیر از راه‌های سه گانه به عنین بودن زوج علم پیدا نمود، می‌توان آن را به راه‌های اثبات عنن اضافه نمود.

شهادت شهود بر گواهی پزشکی: ضابطه و قاعده در شهادت وجود علم است و وقتی از طریق مشاهده گواهی پزشکی قانونی (نتیجه آزمایش) فرد عنین، برای شخصی علم حاصل شود، پس چگونه می‌توان شهادت او را بر مشاهده گواهی پزشکی مسموع ندانست. بنابراین از این روش نیز عنن زوج قابل اثبات است، زیرا همانگونه که اقرار بر عنن معتبر می‌باشد و شهادت بر اقرار به عنن نیز معتبر می‌باشد. گواهی پزشکی نیز که یکی از راه‌های معتبر برای اثبات عنن زوج

می‌باشد، شهادت بر آن نیز معتبر می‌باشد. ناگفته نماند که شهادت زنان به تنها در مورد مشاهده گواهی پزشکی نیز پذیرفته می‌باشد. زیرا شهادت آنان در این مورد، شهادت بر مشاهده نتیجه آزمایش است نه شهادت بر عنین بودن زوج، که پذیرفته نمی‌باشد.

شهادت زنان سابق یا حاضر زوج بر ناتوانی مرد از نزدیکی: هرگاه زنان

سابق یا حاضر زوج شهادت دهند که زوج نسبت به او ناتوان می‌باشد، اماره‌ای است بر اینکه مرد عنین می‌باشد و اماره نیز کاشفیت از واقع دارد و مطابق ماده ۱۳۲۳ قانون مدنی، امارات قانونی در کلیه دعاوی اگر چه از دعاوی باشد که به شهادت شهود قابل اثبات نباشد معتبر است و همچنین مطابق ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی^۴، امارات یکی از ادله اثبات دعوی می‌باشند. در این مورد نیز وقتی مرد توان نزدیکی با چند زن را نداشته باشد، اماره است بر عنین بودن او و اینکه او نسبت به هیچ زنی توانمند نیست. اگر ایراد وارد شود که عنین از امور پنهانی است و جزء از طریق خود شخص قابل احراز نیست، لذا شهادت دادن به صورت قطع به آن مشکل است، بنابراین عنین با شهادت ثابت نمی‌باشد، اگرچه شاهد، زنان سابق مرد باشند. زیرا آنان نسبت به ناتوانی مرد بر نزدیکی نسبت به خود شهادت می‌دهند نه عنین بودن مرد نسبت به همه زنان (حسینی روحانی، ۱۴۱۲ه ق، ج ۲۲، ص ۹۹؛ نجفی، ابی تا، ج ۳۰، ص ۳۵۳). به این ایراد می‌توان سه جواب داده شود: ۱- شکی نیست که عنین از عیوب پنهانیست و شهادت برای اثبات آن ممکن نیست. اما منظور شهادت زنان به عنوان بینه نمی‌باشد، بلکه منظور اماره‌ای است بر عنین بودن زوج، که از طریق شهادت زنان سابق یا حاضر وی به دست می‌آید. در واقع زنان شهادت بر ناتوان بودن مرد نسبت به خود می‌دهند نه بر ناتوانی او از همه زنان و همین که چند تن از زنان مرد چنین شهادتی را دهند، ظن غالبی ایجاد می‌گردد که وی عنین می‌باشد. ۲- همانطور که گفته شد یکی از راه‌های اثبات عنین، قسم خوردن زوجه در صورت خودداری زوج از قسم می‌باشد.^۵ در اینجا نیز که چند تن از زنان زوج قسم می‌خورند، قسم بر ناتوان بودن مرد نسبت به خود می‌خورند نه

قسم بر مطلق عنین بودن مرد. پس همانگونه که قسم مردوده از زن قابل قبول می‌باشد، قسم زنان سابق یا حاضر مرد بر عنین بودن وی نیز پذیرفته می‌باشد. زیرا بین این دو مورد فرقی نیست و چه بسا قسم زنان سابق یا حاضر از اولویت برخوردار باشد، زیرا در نکول فقط یک زن قسم می‌خورد، اما در این مورد بیش از یک زن قسم می‌خورد. ۳- به طور کلی در رد این ایراد می‌توان گفت؛ در صورتی که شاهدان زنان مرد باشند، این علت که دشوار و غیر ممکن بودن آگاهی به عیب عنن است، نیز از بین می‌رود، به دلیل همراهی زوجه با زوج در ایام مختلف و تکرر احوال متفاوت، می‌تواند بر عنن آگاه شده و شهادت دهند (جبعی العاملی، ۱۴۱۳ ه.ق، ج ۸، ص ۱۳۲؛ حسینی روحانی، ۱۴۱۲ ه.ق، ج ۲۲، ص ۹۹).

هرگاه مدعی عنن (زوجه) نتواند ادعای خود را به شش روش فوق اثبات نماید، منکر (زوج) می‌تواند با قسم بر نفی بیماری خویش، به دعوی خاتمه دهد، زیرا مقتضای اصل، سلامت افراد و عدم عیب است. بنابراین کسی که گفتارش مخالف این اصل باشد مدعی و کسی که مطابق با آن سخن بگوید منکر تلقی می‌شود (محقق داماد، ابی تا، ص ۴۳۷؛ طاهری، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۲۳۶).

نقد و تحلیل برخی از آثار فقهی و حقوقی بیماری عنن

اختلافی نیست که بیماری عنن به دلایلی چون: اجماع، روایات، قاعده لاضرر و قاعده لاجرح، یکی از عیوب موجب فسخ نکاح برای زن می‌باشد (نجفی، ابی تا، ج ۳۰، ص ۳۲۴؛ انصاری، ۱۴۱۵ ه.ق، ص ۴۴۲؛ مکارم، ۱۴۲۴ ه.ق، ج ۵، ص ۱۰۷؛ محقق داماد، ابی تا، ص ۳۴۵؛ و...). اما برخی از آثار فقهی و حقوقی این بیماری که از جانب فقها و حقوقدانان مورد تأیید واقع شده است، قابل نقد و انتقاد می‌باشند. اکنون به بررسی این آثار پرداخته می‌شود.

۱- از بین رفتن حق فسخ، به واسطه حدوث عنن بعد از نزدیکی

مطابق قول مشهور فقها و حقوقدانان و مطابق بند دوم ماده ۱۱۲۲ قانون مدنی، اگر زوج حتی یک مرتبه عمل زناشوئی را انجام دهد، سپس ناتوان شود،

زوجه حق فسخ نکاح را نخواهد داشت (جبعی العاملی، ۱۴۱۳ ه ق، ج ۸، ص ۱۰۴؛ نجفی، ۱۴۲۲ ه ق، ص ۱۸۳؛ امامی، ج ۴، ص ۴۶۴؛ و ...). اما نظریه منصفانه و عادلانه این است که در صورت بروز عنن بعد از نزدیکی، برای زن همچنان حق فسخ وجود داشته باشد. دلایلی را که می‌توان بر این نظریه آورد عبارتند از:

۱- قاعده لاجرح: در صورت ناتوانی مرد بعد از نزدیکی، زن دچار سختی «عدم امکان رابطه زناشویی» شده و احتمال اینکه دچار مفاسد اجتماعی و اخلاقی شود، زیاد است.

۲- فوت فائده نکاح: در صورت عنین بودن مرد، فائده نکاح یعنی «رابطه زناشویی» فوت می‌شود.

۳- قاعده لاضرر: ضرر ناشی از «عدم امکان رابطه زناشویی» را نمی‌توان بر زن تحمیل نمود و او را از حق فسخ محروم ساخت. لذا عدم حق فسخ برای زن با مبنای فسخ نکاح که جلوگیری از ضرر همسر می‌باشد، مغایرت دارد.

۴- اطلاق روایات: روایات زیادی در باب عنن موجود است، که به صورت مطلق با ناتوانی مرد از نزدیکی، به زن حق فسخ داده است، بدون اینکه بروز عنن را مقید به قبل از نزدیکی نماید.^۶ از طرفی فقها در عنن حادث بعد از عقد و قبل از نزدیکی، قائل به حق فسخ شده‌اند و در این مورد به قاعده لاضرر و اطلاق روایات استناد نموده‌اند (سبزواری، ۱۴۱۳ ه ق، ج ۲۵، ص ۱۱۶). بنابراین در عنن حادث بعد از نزدیکی نیز می‌توان به قاعده لاضرر و اطلاق روایات استناد نمود و برای زن قائل به حق فسخ شد.

۵- اطلاق ماده ۱۱۲۵ قانون مدنی: با توجه به اطلاق ماده ۱۱۲۵ ق.م که مقرر می‌دارد: «جنون و عنن در مرد هرگاه بعد از عقد هم حادث شود موجب حق فسخ برای زن خواهد شد.» می‌توان جواز فسخ نکاح در صورت بروز عنن پس از نزدیکی را استنباط نمود. زیرا در این ماده، عنن به جنون پیوسته شده است، در حالی که حق فسخ در جنون زوج، مشروط بر عدم نزدیکی نمی‌باشد و مشهور فقها در صورت حدوث جنون برای مرد پس از نزدیکی، قائل به حق فسخ نکاح برای

زوجه می‌باشند(حلی، ۱۴۰۸ ه ق، ج ۲، ۲۶۲؛ جعی العاملی، ۱۴۱۳ ه ق، ج ۸، ص ۱۰۱؛ و ...). پس همانگونه که در بیماری جنون با وجود نزدیکی با زوجه، همچنان به وی حق فسخ داده شده است، در صورت بروز عنن بعد از نزدیکی نیز می‌توان به زن حق فسخ داد. از طرف دیگر این ماده با لفظ «هرگاه» در جهت تعمیم حق فسخ نکاح برای زن برآمده است.

اگر ایراد وارد شود که در صورت بروز عنن بعد از یکبار نزدیکی، نیازی به حق فسخ برای زوجه نمی‌باشد، زیرا وی با استناد به ماده ۱۱۳۰ ق.م به دلیل عسر و حرج می‌تواند از دادگاه تقاضای طلاق نماید. در جواب به این ایراد گفته می‌شود که تشریفات و مراحل طلاق، کاری بس دشوار می‌باشد، چه بسا پرونده‌های از تقاضای طلاق وجود دارد که پس از سال‌ها به حکم نهایی طلاق نرسیده است، درحالی‌که در فسخ این چنین نیست. از طرف دیگر مراد از استقرار قاعده لاضرر رفع ضرر می‌باشد، نه اینکه از یک ضرر بزرگتر (عدم حق فسخ نکاح برای زن در صورت بروز عنن بعد از یکبار نزدیکی مرد با وی) به ضرر دیگر (صرف روزها و ماه‌ها و سال‌ها در دادگاه‌های خانواده برای دریافت حکم طلاق) متوسل شد. بنابراین با توجه به دلایل مذکور به نظر می‌رسد، نظریه عدم حق فسخ نکاح برای زن در صورت حتی یکبار عمل زناشویی مرد با وی، چندان قابل پذیرش نباشد و نظریه منطقی، استحقاق زن بر حق فسخ باشد. دلایلی را که قول مشهور بر نظریه خود آورده‌اند، چندان قابل پذیرش نیست این دلایل عبارتند از:

الف- اجماع: اجماع وجود دارد که در بیماری عنن، حتی در صورت یکبار نزدیکی زوج، زوجه حق فسخ نکاح را نخواهد داشت(محقق ثانی، ۱۴۱۴ ه ق، ج ۱۳، ص ۲۲۹).

اما بر این دلیل ایراد وارد می‌شود که اجماع مدرکی و معتبر نمی‌باشد، زیرا اجماع ممکن است به دلیل استناد به روایاتی باشد که از نظر این گروه جداکننده بین عنن قبل و بعد از نزدیکی می‌باشد. حتی بر فرض اعتبار اجماع مدرکی، این اجماع چگونه اجماعی است که برخی از بزرگان فقه ما با آن مخالفت نموده و نظر به حق فسخ نکاح به واسطه عیب عنن مرد داده، بدون اینکه بین حدوث عنن قبل

از نزدیکی با حدوث عنن بعد از نزدیکی، فرقی گذاشته باشند. فقهای چون شیخ مفید، شیخ صدوق، شهید ثانی، قمی سبزواری و ابن زهره. تا جایی که ابن زهره بر عدم فرق بین عنن قبل و بعد از نزدیکی، ادعای اجماع نموده است (مفید، ۱۴۱۳ه ق، ص ۵۲۰؛ جبعی العاملی، ۱۴۱۳ه ق، ج ۸، ص ۱۰۶؛ سبزواری، ۱۴۱۳ه ق، صص ۴۵۴ و ۴۵۵؛ صدوق، ۱۴۱۵ه ق، ص ۳۱۱؛ ابن زهره، ۱۴۱۷ه ق، ص ۳۵۴).

ب- روایات: (جبعی العاملی، ۱۴۱۳ه ق، ج ۸، ص ۱۰۵؛ محقق ثانی، ج ۱۳، ص ۲۲۹؛ ...) عمده دلیل این گروه روایات است. در بسیاری از روایات تصریح شده است که اگر زوج یکبار عمل زناشویی را انجام داده باشد، نکاح قابل فسخ نمی‌باشد. همانند روایت عباد یا غیث ضبّی از امام صادق (ع) که فرمودند: «... اگر مرد یکبار با زنش آمیزش کند، آنها دیگر از هم جدا نمی‌شوند...» (حر عاملی، ۱۴۰۹ه ق، ج ۲۱، کتاب نکاح، باب ۱۴، ح ۲). روایت اسحاق بن عمار از امام صادق (ع) از پدرش امام محمد باقر (ع) از حضرت علی (ع) که می‌فرماید: «وقتی مردی با زنی ازدواج کند و با او نزدیکی نماید، سپس از آن زن کناره بگیرد، زن حق خیار ندارد. بلکه به بلایی گرفتار آمده و باید صبر کند؛ امّ ولدها و کنیزها و مادرانشان اگر مرد فقط یکبار با آنان نزدیکی کرده، حق خیار ندارند» (حر عاملی، ۱۴۰۹ه ق، ج ۲۱، کتاب نکاح، باب ۱۴، ح ۸) و روایت سکونی از امام صادق (ع) با همین مضمون. ح ۴).

اما در رد این استدلال گفته می‌شود که روایت عباد ضبّی را شهید ثانی از حیث سند و متن غیرقابل استناد می‌داند. وی همچنین اسحاق بن عمار فطحی را شخصی مجهول می‌داند (جبعی العاملی، ۱۴۱۳ه ق، ج ۸، صص ۱۱۱ و ۱۰۵). بنابراین نمی‌توان به این روایات استناد نمود. حتی بر فرض معلوم بودن اسحاق بن عمار فطحی، در روایتی که از وی نقل شده است، اگر مقصود از صدر حدیث این باشد که با یکبار نزدیکی حق خیار زن تا ابد از بین رود، دیگر فرقی بین زن‌های آزاد با کنیزها و مادرانشان باقی نمی‌ماند، زیرا ذیل حدیث صراحت دارد که اگر شوهر با مادر کنیز یا کنیز فقط یکبار آمیزش کند، حق خیار نخواهند داشت در حالی که تفصیل در این روایت، اشتراک آنها را در احکام منتفی می‌سازد. از طرف دیگر روایات مطلق زیادی موجود است که در صورت عنین بودن مرد به زن حق فسخ

داده است، بدون اینکه حق فسخ را مقید به قبل از نزدیکی نموده باشد. در این روایات امام (ع) به طور کلی می‌فرماید: «لایقدر». بنابراین از اطلاق این روایات می‌توان حق فسخ برای زن در بیماری عنن مرد بدون مقید نمودن بروز عنن به قبل از نزدیکی را فهمید. همانند روایت اَبی بصیر مرادی که می‌گوید: «از امام صادق (ع) درباره زنی که شوهرش دچار بیماری شده و نمی‌تواند با همسر خود نزدیکی کند، سؤال کردم: آیا زن می‌تواند از شوهر خود جدا شود؟ امام فرمود: اگر خواست، می‌تواند جدا شود...» (حر عاملی، ۱۴۰۹ ه ق، ج ۲۱، کتاب نکاح، باب ۱۴، ح ۱) و بسیاری از روایات دیگر از امام صادق (ع). چون روایت عمّار بن موسی و روایت اَبی صباح (حر عاملی، ۱۴۰۹ ه ق، ج ۲۱، کتاب نکاح، باب ۱۴، ح ۳ و ۷). ادعا شده است که این روایات مطلق به واسطه روایات خاص مذکور که حق فسخ در بیماری عنن را مقید به قبل از نزدیکی نموده است، تخصیص و تقيید می‌خورند. به عبارت دیگر روایات خاص، مقدم بر روایات عام می‌شوند (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ ه ق، ص ۱۸۳؛ شیخ انصاری، ۱۴۱۵ ه ق، ص ۴۴۲؛ و...). اما در جواب به این ادعا گفته می‌شود که روایات مطلق، ظهور در عنن بعد از عقد دارند و غالباً مراد از عنن در چنین مواردی، عنن بعد از نزدیکی می‌باشد. زیرا زمان بین عقد و نزدیکی کم است. پس حمل این روایات بر عنن بعد از عقد و قبل از نزدیکی، حمل بر فرد نادر است. از طرف دیگر روایات خاص به دلیل ضعیف بودن، قدرت تعارض با روایات مطلق را ندارد (بحرانی، ۱۴۰۵ ه ق، ج ۲۴، ص ۳۴۶) و اگر گفته شود؛ با عمل مشهور به روایات، ضعف روایات جبران شده است (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ ه ق، ص ۱۸۹؛ شیخ انصاری، ۱۴۱۵ ه ق، ص ۴۴۲) جواب داده می‌شود که حتی بر فرض صحیح بودن سند روایات خاص، این روایات همچنان نمی‌توانند، روایات مطلق را تخصیص دهند، به دلیل اینکه روایات از نظر موضوع با هم متفاوت و در تعارض می‌باشند. زیرا موضوع روایات عام، فرض عدم نزدیکی و موضوع روایات خاص، فرض نزدیکی است. و در تعارض، اصولیین قائل به تخییر می‌باشند. لذا در اینجا می‌توان اطلاق روایات را پذیرفت و در نتیجه حتی در صورت بروز عنن بعد از نزدیکی نیز قائل به حق فسخ برای زن شد.

ج - اصول عملی چون: اصله الزوم، احتیاط و استصحاب (جبعی العاملی، ۱۴۱۳ هـ ق، ج ۸، ص ۱۰۵).

اصله الزوم: حق فسخ با لزوم عقد نکاح منافات دارد. عقد نکاح لازم و خيار فسخ خلاف اصل لزوم عقد است (محقق ثانی، ۱۴۱۴ هـ ق، ج ۱۳، ص ۲۳۱).

احتیاط: در صورت شک در انحلال نکاح به واسطه بروز عنن پس از نزدیکی، می‌توان اصل احتیاط را جاری نمود، به ویژه در امر نکاح که از حساسیت بیشتری نسبت به امور دیگر برخوردار است (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ هـ ق، ص ۱۸۳).

استصحاب: در صورت شک در عنین بودن مرد بعد از یکبار عمل زناشویی، عدم بقای عنن استصحاب می‌شود (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ هـ ق، ص ۱۸۳).

به این سه دلیل جواب داده می‌شود: عمل به اصل عملی درجایی است که دلیل لفظی حاکم بر اصل عملی موجود نباشد، حال آنکه در این مسأله دلایل لفظی «قاعده لاضرر» و «قاعده لاجرح» وجود دارد. زیرا با از بین رفتن حق فسخ زن در صورت بروز عنن بعد از نزدیکی، به دلیل «عدم امکان ادامه رابطه زناشویی»، وی متحمل ضرر و سختی می‌گردد.

د- امکان درمان بیماری: یکبار نزدیکی اماره و کاشفیت دارد که مرد مبتلا به عیب ذاتی نیست و امید بهبودی دارد، در نتیجه مرد عنین نمی‌باشد (نجفی، ابي تا، ج ۳۰، ص ۳۲۶).

در اینکه بعد از یکبار نزدیکی، عنن ممکن است قابل درمان باشد، مخالفتی نیست. نه تنها در بیماری عنن، بلکه در هر بیماری دیگری از عیوب منصوصه، در صورت درمان بیماری، حق فسخ از بین می‌رود. اما بحث در جایی است که زوج بعد از یکبار نزدیکی، ناتوان شود و پزشک متخصص، تشخیص عدم درمان بیماری عنن را دهد. در این صورت با توجه به دلایلی ذکر شده، نظریه عادلانه استحقاق زن بر حق فسخ نکاح می‌باشد.

۲- مهلت یکساله به مرد عنین و استحقاق زن بر نصف مهر

در صورت ثبوت عنن زوج، چه حدوث عنن قبل از عقد باشد و چه بعد از عقد، به زوج یکسال مهلت داده می‌شود (انصاری، ۱۴۱۵ هـ ق، ص ۴۴۳؛ خمینی، ابي تا،

ج ۲، ص ۲۹۴؛ و ...) دلیل این قول روایات می باشد. همانند روایت محمد بن مسلم از امام باقر (ع) که فرمودند: «به عنین یک سال مهلت داده می شود، بعد از آن، اگر زنش بخواهد ازدواج می کند و اگر بخواهد می ماند.» (حر عاملی، ۱۴۰۹ ه ق، ج ۲۱، کتاب نکاح، باب ۱۴، ح ۵) همچنین روایات دیگر چون؛ روایات ابی بختری، ابی بصیر مرادی، حسین بن علوان، ابی صباح و روایت ابی حمزه (حر عاملی، ۱۴۰۹ ه ق، ج ۲۱، کتاب نکاح، باب ۱۴، ح ۹، ۱، ۱۲ و ۷. باب ۱۵، ح ۱).

اما باید گفت امروزه با پیشرفت علم پزشکی، در صورت تشخیص پزشک متخصص به عدم بهبود بیماری عنن و دائمی بودن این بیماری، این مهلت یک ساله بی فایده می باشد و دیگر نیازی به یکسال صبر نمودن زن نمی باشد. زیرا در برخی از روایات باب عنن، علت مهلت یکساله به مرد عنین، صراحتاً با عبارات «حَتَّى يُعَالِجَ نَفْسَهُ»، «فَإِنْ خَلَصَ إِلَيْهَا وَ إِلَّا فُرِقَ بَيْنَهُمَا» (حر عاملی، ۱۴۰۹ ه ق، ج ۲۱، کتاب نکاح، باب ۱۴، ح ۷ و ۹). یعنی «امکان درمان بیماری» در طول مدت یک سال آمده است. بنابراین در صورتی که پزشک تشخیص دائمی بودن بیماری عنن را دهد، دیگر درمانی وجود ندارد، تا به زوج یکسال مهلت داده شود. به همین دلیل است که امام (ع) در برخی از روایات بدون مهلت یکساله به زن حق فسخ داده است. یعنی در جایی که عنن غیر قابل درمان بوده، امام (ع) بدون مهلت یکساله حکم به فسخ نکاح داده است. چون روایت ابی صباح کنانی و روایت غیاث ضبّی (حر عاملی، ۱۴۰۹ ه ق، ج ۲۱، کتاب نکاح، ح ۶ و ۲). برخی از فقها نیز حکمت مهلت یکساله را احتمال بروز برخی عوارض خارجی و طبیعی چون گرمای هوا، سرمای هوا و ... برای مرد عنین دانسته اند، لذا معتقدند به مرد یکسال مهلت داده شده است تا وی در هر چهار فصل آزمایش شود، تا در صورتی که بیماری به دلیل این عوامل باشد، ظرف این مدت یکسال برطرف شود (جبعی العملى، ۱۴۱۳ ه ق، ج ۸، ص ۱۳۸؛ محقق ثانی، ۱۴۱۴ ه ق، ج ۱۳، ص ۲۶۷؛ و ...). اما همانگونه که گفته شد، در صورت تشخیص پزشک قانونی بر دائمی بودن عنن، این مهلت بی فایده می باشد و آزمایش مرد عنین در چهار فصل بی فایده می باشد. بنابراین بنا بر قاعده لاضرر در جایی که عنن دائمی

تشخیص داده می‌شود، زن بدون مهلت یکساله حق فسخ نکاح را خواهد داشت. زیرا در غیر این صورت و یکسال بلاتکلیف گذاشتن زن، ضرریست که بر وی متحمل می‌گردد. شاید به دلیل همین پیشرفت علم پزشکی و قابل تشخیص بودن عنن دائمی است که قانونگذار «مهلت یکساله» را در بیماری عنن در ماده ۱۱۲۲ ق.م.د در سال ۱۳۷۰ حذف نمود. ماده ۱۱۲۲ ق.م.پیشین مقرر می‌داشت: «عیوب ذیل در مرد که مانع از ایفاء وظیفه زناشویی باشد موجب حق فسخ برای زن خواهد بود: ۱- عنن به شرط اینکه بعد از گذشتن مدت یکسال از تاریخ رجوع زن به حاکم رفع نشود. ۲- خصی. ۳- مقطوع بودن آلت تناسلی» و ماده ۱۱۲۲ ق.م. اصلاح شده جدید مقرر می‌دارد: «عیوب ذیل در مرد موجب حق فسخ برای زن خواهد بود: ۱- خصاء ۲- عنن به شرط اینکه ولو یک بار عمل زناشویی را انجام نداده باشد. ۳- مقطوع بودن آلت تناسلی به اندازه‌ای که قادر به عمل زناشویی نباشد.» همانگونه که دیده می‌شود، در ماده منسوخ، قانون‌گذار به مرد عنین یک سال مهلت داده است، اما در اصلاحیه سال ۱۳۷۰ این مهلت یکساله را حذف نموده است. برخی معتقدند که مهلت یکساله منافع زن را هم دربر دارد، چرا که با درمان بیماری عنن مرد و احتمال مرتفع شدن عیب، از انحلال نکاح جلوگیری می‌شود. لذا از نظر این حقوق دانان حذف مدت یکساله در ماده ۱۱۲۲ ق.م. قابل ایراد می‌باشد (صفائی و امامی، ۱۳۷۹، ص ۱۹۲). اما باید گفت که در صورت دائمی بودن عنن، چه منفعتی در یک سال بلاتکلیف گذاشتن زوجه وجود دارد، لذا حذف مدت یک ساله از این ماده قابل تقدیر است. اما قانون‌گذار مهلت یک ساله را به طور مطلق حذف نموده است. شایسته بود که آن را مقید به جایی نماید که پزشک بیماری عنن را دائمی تشخیص داده باشد. اما در جایی که عنن دائمی نباشد، عدم مهلت یکساله به زوج، مخالفت صریح با روایات می‌باشد. لذا پیشنهاد می‌گردد، بند دوم این ماده بدین صورت اصلاح گردد: «عیوب ذیل در مرد موجب حق فسخ برای زن خواهد بود: ۱- ... ۲- عنن به شرط دائمی بودن و در صورت

دائمی نبودن به شرط اینکه بعد از گذشتن مدت یک سال از تاریخ رجوع زن به حاکم، عنن رفع نشود. ۳-...».

مسأله‌ای که در این باب باقی می‌ماند این است که در صورت فسخ نکاح بدون مهلت یکسال، مطابق اطلاق بخش دوم ماده ۱۱۰۱ ق.م.ز.ن همچنان مستحق نصف مهر می‌باشد. این ماده مقرر می‌دارد: «هرگاه عقد نکاح قبل از نزدیکی به جهتی فسخ شود زن حق مهر ندارد مگر در صورتی که موجب فسخ، عنن باشد که در این صورت با وجود فسخ نکاح، زن مستحق نصف مهر است.» همانگونه که در این ماده دیده می‌شود، قانون‌گذار ابتدا عدم اسحقاق زن بر مهر را در صورت فسخ نکاح قبل از نزدیکی پذیرفته است، اما سپس یک استثناء بر آن وارد نموده، و آن فسخ نکاح قبل از نزدیکی به واسطه بیماری عنن می‌باشد، که در این صورت بر خلاف عیوب دیگر، زن مستحق نصف مهر می‌باشد.

اما بر اطلاق بخش دوم ماده ۱۱۰۱ ق.م. که به صورت مطلق در صورت فسخ نکاح به دلیل عیب عنن، زن را مستحق نصف مهر نموده است، ایراد وارد می‌شود. زیرا استحقاق زن بر نصف مهر در جایی است که به مرد یک سال مهلت داده شود و بعد از این مدت زن نکاح را فسخ نماید. اما در صورتی که پزشک عنن مرد را دائمی تشخیص دهد و در نتیجه زن بلافاصله و بدون مهلت یکساله نکاح را فسخ نماید، وی استحقاق نصف مهر را نخواهد داشت. دلایلی که می‌توان برای این نظریه آورد عبارتند از: ۱- روایت: همانگونه که در روایت ابی حمزه آمده: «... امام باید یک سال به مرد مهلت دهد. اگر توانست نزدیکی کند که توانست و اگر نتوانست، بین زن و شوهر جدایی انداخته می‌شود و نصف مهریه به زن پرداخت می‌گردد و لازم نیست زن عده نگه دارد» (حر عاملی، ۱۴۰۹ ه.ق، ج ۲۱، کتاب نکاح، باب ۱۵، ح ۱). در این روایت امام پس از مهلت یکساله به مرد عنین و فسخ زوجه پس از این مدت، وی را مستحق نصف مهر دانسته است، نه آنکه امام با فسخ بدون مهلت، زن را مستحق نصف مهر بداند. ۲- از بین رفتن حکم به سبب از بین رفتن علت: با توجه به تعلیل فقها که نصف مهر در بیماری عنن را به دلیل یک سال

خلوت نمودن مرد با زن و حاصل شدن لذات دیگر غیر از نزدیکی می‌دانند، (جبعی العالمی، ۱۴۱۳ ه ق، ج ۸، ص ۱۳۰؛ نجفی، [ابی تا]، ج ۳۰، ص ۳۴۶؛ و ...) در جایی که زن بلافاصله نکاح را فسخ می‌نماید، دیگر خلوت و لذتی صورت نگرفته است. بنابراین دلیل عقلایی برای تنصیف مهر باقی نمی‌ماند. به عبارت دیگر با از بین رفتن علت استحقاق زن بر نصف مهر در بیماری عنن، حکم آن یعنی تنصیف مهر نیز منتفی خواهد شد. ۳- قاعده لاضرر: مرد به دلیل اینکه نه از لذت نزدیکی بهره برده و نه از لذات دیگر غیر از نزدیکی، پرداخت نصف مهر موجب ضرر به حال وی می‌باشد. ۴- عدم فرق بین این عیب با عیوب خصاء و جبّ: در صورتی که نکاح به واسطه عنن، بدون مهلت یکسال فسخ گردد، در این صورت بین این بیماری با بیماری‌های دیگر مرد چون خصاء (کشیدن بیضتین یا کوبیدن آن‌ها و یا نداشتن آن‌ها) و جبّ (بریده بودن آلت تناسلی)، در عدم استحقاق زوجه بر نصف مهر، فرقی وجود ندارد (جبعی العالمی، ۱۴۱۳ ه ق، ج ۸، ص ۱۳۰؛ نجفی، [ابی تا]، ج ۳۰، ص ۳۴۶؛ و ...). لذا همانگونه که در این عیوب در صورت فسخ نکاح قبل از نزدیکی، زن استحقاق نصف مهر را ندارد، در بیماری عنن نیز در صورت فسخ نکاح بدون مهلت یکسال، زن استحقاق نصف مهر را نخواهد داشت و اگر ایراد وارد شود که استحقاق نصف مهر در بیماری عنن به دلیل روایت می‌باشد (جبعی العالمی، ۱۴۱۳ ه ق، ج ۸، ص ۱۳۰؛ نجفی، [ابی تا]، ج ۳۰، ص ۳۴۶؛ و ...). قبلاً اشاره شد که این روایت، دلالت بر استحقاق زن بر نصف مهر در صورت یکسال صبر نمودن زن دارد، نه در جایی که زن بلافاصله نکاح را فسخ نماید همچنین جنبه معاوضی عقد نکاح چنین اقتضا دارد، که در صورت فسخ نکاح، هر یک از عوضین به مالک قبل از فسخ برسد. و از آنجا که نزدیکی که در حکم یکی از عوضین است صورت نگرفته، پس با فسخ نکاح زوج معاف از پرداخت مهر است (نجفی، [ابی تا]، ج ۳۰، ص ۳۴۶) و تنصیف مهر در طلاق قبل از نزدیکی، یک استثناء و مستند به نص است. بنابراین پیشنهاد می‌گردد که بخش دوم ماده ۱۱۰۱ ق.م. از حالت اطلاق درآمد و مقید به صورتی گردد که به مرد یکسال مهلت داده می‌شود. لذا پیشنهاد می‌شود ماده ۱۱۰۱ ق.م.

بدین شکل اصلاح گردد: «هرگاه عقد نکاح قبل از نزدیکی به جهتی فسخ شود زن حق مهر ندارد مگر در صورتی که موجب فسخ، عنن باشد و زن یکسال برای درمان مرد صبر نموده باشد، در این صورت با وجود فسخ نکاح، زن مستحق نصف مهر است.»

۳- تقدم گفتار زوج بر گفتار زوجه در صورت ادعای زوج بر نزدیکی،

بعد از ثبوت عنن

اختلاف در جایبست که اصل عنن ثابت شده باشد، سپس مرد مدعی نزدیکی و زن منکر نزدیکی باشد. با وجود اینکه نزدیکی پس از ثبوت عنن، مشکوک می‌باشد- در نتیجه باید گفت مرد مدعی نزدیکی و زن منکر نزدیکی می‌باشد- اما با این حال مطابق قول مشهور فقها، زن مدعی عنن و مرد منکر عنن می‌باشد. لذا گفتار زوج با قسم مقدم بر گفتار زوجه می‌شود (جعی العملی، ۱۴۱۳ ه ق، ج ۸، ص ۱۳۳؛ سبزواری، ۱۴۲۳ ه ق، ج ۲، ص ۲۰۶؛ و ...).

اما بر این گفته ایراد وارد می‌شود که این دعوا بعد از ثبوت عنن می‌باشد، بنابراین دعوی عنن تمام شده و اکنون دعوی دیگری بر سر نزدیکی می‌باشد و جای تعجب است که فقهای کرام این دعوا را همچنان دعوی عنن می‌دانند و اصرار بر منکر بودن مرد دارند. چگونه گفتار مرد پذیرفته می‌شود، در حالی که وی مدعی نزدیکی و زن منکر نزدیکی می‌باشد. بنابراین مطابق قاعده «البینه للمدعی و الیمین علی من أنکر» باید گفتار زن با قسم پذیرفته شود و یا مطابق اصل استصحاب، در صورت شک در نزدیکی، بقاء عنن مرد و عدم نزدیکی، استصحاب می‌شود. خواه زوجه باکره (دوشیزه) باشد و خواه غیر باکره (ثیبه). به دلیل اینکه غیر باکره بودن زن دلیل بر نزدیکی زوج با وی نمی‌باشد، زیرا چه بسا وی قبلاً ازدواج نموده، یا خدای ناکرده مرتکب زنا شده باشد و یا بر اثر حادثه‌ای بکارت خود را از دست داده باشد.

فقها برای نظریه خود (منکر بودن مرد و مدعی بودن زن) دلایلی را آورده‌اند، اما این دلایل قابل انتقاد می‌باشند. این دلایل عبارتند از:

۱- نزدیکی از مواردیست که جز خود زوجین از آن آگاه نیستند، لذا بر پاداشتن شهادت بر آن مشکل می‌باشد. بنابراین قسم زوج قائم مقام شاهد می‌شود (جبعی العاملی، ۱۴۱۳.ق، ج ۸، ص ۱۳۳؛ انصاری، ۱۴۱۵.ق، ص ۴۴۳؛ و ...)

در رد این دلیل گفته می‌شود: در این دعوی مطابق قول فقها، زن به دلیل مدعی بودن باید بر ادعای خود یعنی «عدم نزدیکی» شاهد بیاورد، در حالی که این مورد نیز از اموری است که فقط زوجین از آن اطلاع دارند، لذا قابل برپاداشتن شاهد نمی‌باشد. حال که در هر دو مورد «نزدیکی و عدم نزدیکی» امکان اطلاع برای دیگران نیست و فقط خود زوجین می‌توانند از آن آگاه شوند. لذا با توجه به همان قاعده کلی «البینه للمدعی و اليمين علی من أنکر» عمل شود و گفتار زن مقدم بر گفتار مرد شود و یا در صورتی که زوجه باکره باشد، بکارت وی اماره‌ایست بر عدم نزدیکی مرد، لذا دیگر قسم زوج بر اماره ی بکارت مقدم نمی‌گردد.

۲- مراد از عنن، عننیست که موجب خیار فسخ باشد، یعنی عننی که بعد از یکسال مهلت دادن به مرد حاصل می‌شود. به عبارت دیگر قید «مهلت یک سال به زوج» داخل در مفهوم عنن می‌باشد. لذا در اینجا که مرد ادعای نزدیکی و زن انکار می‌کند، در واقع دعوا در همان ثبوت عنن موجب خیار است که زن ادعای عنن مرد می‌کند و مرد انکار آن و استصحاب ناتوانی سابق صحیح نمی‌باشد، زیرا عنن با گذشت یک سال ثابت می‌شود، بنابراین استصحاب چیزی که استمرار در آینده دارد، صحیح نمی‌باشد (نجفی، ابي تا، ج ۳۰، ص ۳۵۴).

در رد این دلیل نیز گفته می‌شود: عنن به معنای ناتوانی از نزدیکی می‌باشد و با ثبوت آن زن حق فسخ پیدا می‌کند، منتها در شرع قیدی به این حق اضافه شده است و آن مهلت یک ساله می‌باشد که زن باید یکسال صبر نماید و در صورت نزدیکی مرد در این مدت، این حق از بین می‌رود. اما این مدت یکسال را نباید در مفهوم عنن داخل نمود، بلکه قیدی است که به حکم عنن اضافه شده

است نه به معنای عنن. از طرف دیگر قبلاً اشاره شد که در صورت دائمی بودن عنن نیازی به مهلت یک ساله نمی‌باشد. لذا استصحاب موضوع عنن یعنی ناتوانی مرد از نزدیکی، صحیح می‌باشد و قید یکسال داخل در مفهوم عنن نمی‌باشد، تا گفته شود استصحاب موضوعی که استمرار در آینده دارد، صحیح نمی‌باشد.

۳- زوج منکر و زوجه مدعی می‌باشد. زیرا منکر کسی است که گفتار او موافق و مطابق اصل باشد، پس چون گفتار مرد (عدم عنن) موافق اصل لزوم و یا اصل سلامت می‌باشد، پس وی منکر محسوب می‌شود و چون گفتار زن (ادعای عنن) مخالف این اصل است، زیرا زن قائل به بروز عیب است و این مخالف اصل سلامت می‌باشد، پس وی مدعی به شمار می‌رود. همچنین مدعی کسی است که «یترك لو ترك الخصومه» یعنی: «اگر دعوا را رها کند، رها می‌شود» در این مورد نیز اگر زن از ادعای خود برگردد، دعوی خاتمه می‌یابد (جعی العالمی، ۱۴۱۳ ه ق، ج ۸، ص ۱۳۴؛ نجفی، ابي تا، ج ۳۰، ص ۳۵۴؛ و ...).

این دلیل نیز قابل استناد نمی‌باشد، زیرا از آنجا که عنن زوج ثابت شده است، لذا ادعای زوجه بر عدم نزدیکی بر اساس اماره عنین بودن مرد می‌باشد، بنابراین گفتار زوجه حجت و معتبر می‌باشد. از طرف دیگر چگونه می‌توان گفت زوج منکر می‌باشد، در حالی که مسأله صراحت دارد بر اینکه وی مدعی است، زیرا ادعای نزدیکی می‌نماید و زوجه نیز این ادعا را انکار می‌نماید. همچنین اینگونه نیست که در تمامی دعواها از این راه‌ها (راه‌های تشخیص مدعی از منکر) بتوان به مدعی یا منکر بودن پی برد.

۴- به دلیل اطلاق صحیحه ابي حمزه (نجفی، ابي تا، ج ۳۰، ص ۳۵۴؛ سبزواری، ۱۴۲۳ ه ق، ج ۲، ص ۲۰۶؛ و ...). ابو حمزه می‌گوید: «از امام باقر (ع) شنیدم که فرمود: وقتی مردی با زن بیوه‌ای که قبلاً شوهر دیگری داشته ازدواج کند و آن زن ادعا کند که از هنگام ازدواج، شوهرش با او نزدیکی نکرده، در اینجا گفتار مرد مقدم است و چون زن مدعی است مرد باید به خدا قسم یاد کند که با زن نزدیکی نکرده است و نیز فرمود: اگر زن باکره باشد و پس از ازدواج ادعا کند که مرد با او نزدیکی نکرده است، از آنجا که چنین مواردی را زنان، بهتر تشخیص می‌دهند،

زن مورد اعتمادی او را بررسی می‌کند، اگر بگوید: زن باکره است، امام باید یکسال به مرد مهلت دهد. اگر توانست نزدیکی کند که توانست و اگر نتوانست، بین زن و شوهر جدایی انداخته می‌شود و نصف مهریه به زن پرداخت می‌گردد و لازم نیست زن عده نگه دارد.» (حر عاملی، ۱۹۰۹ ه.ق، ج ۲۱، کتاب نکاح، باب ۱۵، ح ۱)

اما همان‌گونه که شهید ثانی نیز اشاره نموده‌اند، در دلالت این روایت اشکال وجود دارد. زیرا محل دعوی جاییست که عنن ثابت شده باشد، در حالی که مورد روایت در جاییست که عنن ثابت نشده باشد و اختلاف در اصل عنن می‌باشد (جبعی العاملی، ۱۴۱۳ ه.ق، ج ۸، ص ۱۳۴).

بنابراین دلایل تقدیم گفتار مرد تمام نمی‌باشد، لذا به دلیل شرعی استصحاب بقاء عنن و دلیل عقلی قاعده «البینه للمدعی و الیمین علی من أنکر» در این فرض، مرد مدعی نزدیکی و زن منکر نزدیکی است. لذا باید گفتار منکر یعنی زوجه با قسم پذیرفته شود.

۴- اطلاق ناتوانی زوج از نزدیکی (هم بر حق زوجه و هم بر غیر

زوجه)

مطابق قول مشهور فقها، نکاح به واسطه‌ی بروز عنن، در صورتی برای زوجه قابل فسخ است که زوج مطلقاً از نزدیکی ناتوان باشد، یعنی هم بر زوجه خویش ناتوان باشد و هم بر غیر زوجه. بنابراین اگر نتواند با زوجه نزدیکی کند، ولی بر نزدیکی بر غیر او توانمند باشد، عنین محسوب نمی‌شود و زوجه حق فسخ نکاح را نخواهد داشت زیرا در این صورت معلوم می‌شود که بیماری به اصل خلقت مرد بازگشت ندارد و مسأله امری روحی و روانی است (سبزواری، ۱۴۱۳ ه.ق، ج ۲۵، ص ۱۱۶؛ نجفی، [بی تا]، ج ۳۰، ص ۳۲۶؛ و ...).

اما به نظر می‌رسد، نظریه منصفانه در این مسأله، استحقاق زن بر حق فسخ باشد. زیرا عدم حق فسخ برای زن در این صورت با مبنای فسخ نکاح که جلوگیری از ضرر همسر است، مغایرت دارد. چراکه زوجه به واسطه «عدم امکان

رابطه زناشویی «زوج با وی، متحمل ضرر می‌گردد. اینکه زوج بر زوجه ناتوان و بر زن دیگر توانمند باشد، عوامل مختلفی می‌تواند داشته باشد. چون: سحر و جادو، تخیلات روحی، زشتی و یا بد اخلاقی زوجه، داشتن رابطه حرام و عدم علاقه به رابطه حلال زناشویی و ... اما هیچ کدام از این عوامل باعث نمی‌شود، زوجه حق فسخ نکاح را نداشته باشد. از طرف دیگر تمامی دلایلی که مشهور فقها در این مورد بیان نموده‌اند، قابل ایراد می‌باشد. این دلایل عبارتند از:

الف- اجماع: اجماع شده در بیماری عنن شرط است، مرد مطلقاً هم در حق زوجه و هم بر غیر زوجه ناتوان باشد (نجفی، ابی تا، ج ۳۰، ص ۳۲۷).
بر این استدلال ایراد وارد می‌شود که این اجماع مدرکی و معتبر نمی‌باشد و حتی بر فرض اعتبار اجماع مدرکی، این اجماع چگونه اجماعی است، در حالی که از ظاهر کلام برخی از فقهای بزرگ چون شیخ مفید و ابن زهره، تعلق حق فسخ به زوجه با نفس ناتوانی زوج بر نزدیکی فهمیده می‌شود، نه ناتوانی از نزدیکی به طور مطلق (مفید، ۱۴۱۳ ه ق، ص ۵۲۰؛ به نقل از نجفی، ابی تا، ج ۳۰، ص ۳۲۶).

ب - اصالة الزوم (نجفی، ابی تا، ج ۳۰، ص ۳۲۷؛ سبزواری، ۱۴۱۳ ه ق، ج ۲۵، ص ۱۱۶)
به این دلیل جواب داده می‌شود؛ در صورت ناتوانی زوج از نزدیکی با زوجه، وی متحمل ضرر «عدم امکان رابطه زناشویی» که هدف اصلی نکاح می‌باشد، می‌شود و قدرت مرد بر نزدیکی با غیر زوجه، ضرر متحمل شده بر وی را جبران نخواهد کرد. بنابراین «قاعده لاضرر» که یک دلیل لفظی می‌باشد، بر اصل لزوم عقد، مقدم می‌گردد.

ج - اطلاق روایات: (سبزواری، ابی تا، ج ۲، ص ۲۰۰؛ بحرانی، ۱۴۰۵ ه ق، ج ۲۴، ص ۳۸۷؛ و ...) در بسیاری از روایات باب عنن عبارات «لَا يَقْدِرُ عَلَى النَّسَاءِ» و «لَا يَأْتِي النَّسَاءَ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ ه ق، ج ۲۱، کتاب نکاح، باب ۱۴، ح ۱، ۷، ۲ و ۱۳) آمده که عام می‌باشند، بدین معنا که زوج بر هیچ زنی قادر بر نزدیکی نباشد، نه صرفاً عدم توانایی بر زوجه خویش. علاوه بر اطلاق این روایات، روایت عمار بن موسی آشکارا بر این مطلب (ناتوانی کلی) دلالت دارد. متن روایت چنین است: «از امام صادق

(ع) در موردی مردی که نمی‌تواند با همسر خود نزدیکی کند، سؤال شد، امام فرمود: در صورتی که با دیگر زنان هم نمی‌تواند نزدیکی کند، نباید آن زن را نزد خود نگه دارد مگر با رضایت او. لکن اگر می‌تواند با زنان دیگر غیر همسر خود، نزدیکی کند، می‌تواند زن را نگه دارد» (حر عاملی، ۱۴۰۹ه ق، ج ۲۱، کتاب نکاح، باب ۱۴، ح ۳).

به این دلیل نیز جواب داده می‌شود، اولاً: روایت عباد الضببی (حر عاملی، ۱۴۰۹ه ق، ج ۲۱، کتاب نکاح، باب ۱۴، ح ۲) از حیث سند و متن غیر قابل استناد و ضعیف می‌باشد (جعی عاملی، ۱۴۱۳ه ق، ج ۸، ص ۱۱۱). ثانیاً: روایاتی زیادی نیز وجود دارد که معارض با این روایاتند و ناتوانی از زن معین را معتبر دانسته‌اند. همانند روایت ابی صباح کنانی: «از امام صادق (ع) در مورد زنی که شوهرش دچار حادثه‌ای شده و بر اثر آن توان مند بر نزدیکی نیست، پرسیدم آیا زن از او جدا می‌شود؟ حضرت فرمود: بله، اگر بخواهد» (حر عاملی، ۱۴۰۹ه ق، ج ۲۱، کتاب نکاح، باب ۱۴، ح ۶). روایت ابی حمزه: «... امام باید یکسال به مرد مهلت دهد. اگر توانست نزدیکی کند که توانست و اگر نتوانست، بین زن و شوهر جدایی انداخته می‌شود...» (حر عاملی، ۱۴۰۹ه ق، ج ۲۱، کتاب نکاح، باب ۱۵، ح ۱). و برخی روایات دیگر چون: روایت سکونی و روایت ابی البختری (حر عاملی، ۱۴۰۹ه ق، ج ۲۱، کتاب نکاح، باب ۱۴، ح ۴ و ۹) این روایات ناظر بر ناتوانی زوج نسبت به زوجه است و نمی‌توان از آن ناتوانی کلی را استفاده نمود.

ج - عدم صدق عنین بر چنین مردی: چنین شخصی چون بر غیر زوجه توانمند می‌باشد، عنین حقیقی نیست، زیرا عنین نقصی است در جسم مرد که موجب ناتوانی او از تمام زنان می‌شود. بنابراین چون عنوان عنین بر چنین شخصی صدق نمی‌کند، حکم عنین نیز بر وی جاری نمی‌شود. صاحب جواهر نیز اشاره می‌نماید؛ چون عنین حقیقی نیست، لذا امکان درمان چنین شخصی وجود دارد (نجفی، ابی تا، ج ۳۰، ص ۳۲۶).

بر این دلیل ایراد وارد می‌شود؛ اگرچه ممکن است بر چنین شخصی عنوان عنین حقیقی صدق نکند، اما به هر حال زوجه به دلیل عدم توانایی زوج بر رابطه

زناشویی با وی متضرر می‌شود و در واقع زوج نسبت به وی عنین محسوب می‌شود، هر چند که نسبت به غیر وی عنین نباشد. و چه نفعی به حال زوجه دارد که زوج بر دیگر زنان توانمند باشد. از طرف دیگر پس چرا فقها در صورت حدوث عنن بعد از عقد و قبل از نزدیکی به چنین شخصی همچنان عنین می‌گویند و برای زن حق فسخ قرار داده اند، (محقق ثانی، ۱۴۱۴ ه ق، ج ۱۳، ص ۲۳۰؛ خمینی، [بی تا]، ج ۲، ص ۲۹۳؛ و ...) در حالی که وی قبل از عقد عنین نبوده و مطابق نظر این گروه می‌توان گفت چون شخص قبل از عقد عنین نبوده، پس عنین حقیقی نیست و امکان درمان وی وجود دارد، لذا بر چنین شخصی نیز عنوان عنین حقیقی صدق نمی‌کند.

نتیجه گیری

با بررسی‌های انجام گرفته به نظر می‌رسد که:

- ۱- با توجه به پیشرفتی که علم پزشکی نموده است، برای اثبات عنن علاوه بر راههای مذکور در فقه، می‌توان راههای دیگری را نیز اضافه نمود. راههای چون گواهی پزشکی، شهادت شهود بر گواهی پزشکی و شهادت زنان سابق یا حاضر مرد بر ناتوانی مرد از نزدیکی.
- ۲- بیماری عنن حتی در صورت بروز بعد از نزدیکی، موجب فسخ نکاح برای زن باشد.
- ۳- در صورتی که پزشکی قانونی، بیماری عنن را دائمی تشخیص دهد، زن بدون مهلت یکساله بتواند نکاح را فسخ نماید، اما در این صورت دیگر مهری به وی تعلق نگیرد.
- ۴- در این بیماری شرط ناتوانی مرد از تمامی زنان، خلاف حکم عقل و قاعده لاضرر می‌باشد.

۵- در جایی که عنن در دادگاه ثابت شده و اختلاف زوجین در نزدیکی می‌باشد، مطابق قواعد فقهی، مرد مدعی و زن منکر محسوب شده، لذا گفتار زن با قسم مقدم بر گفتار مرد شود.

پی نوشت ها

۱. این اختلاف مبنی بر اختلاف در حکم است که آیا با نکول منکر، حکم می‌شود یا باید قسم به مدعی رد شود و در صورت قسم خوردن مدعی حکم شود؟
 ۲. ماده ۴۴۴ ق.ا.د.م: "در مواردی که رجوع به کارشناس لازم باشد، دادگاه می‌تواند به نظر خود یا به درخواست اصحاب دعوی و یا یکی از آن‌ها قرار رجوع به کارشناس بدهد. ..."
 ۳. N.P.T: Nocturnal Penile Tumescence
 ۴. ماده ۱۲۵۸ ق.م: دلائل اثبات دعوی از قرار ذیل است: ۱- اقرار ۲- اسناد کتبی ۳- شهادت ۴- امارات ۵- قسم

۵. البته بنا بر نظر کسانی که معتقدند صرف نکول از قسم اثبات حکم نمی‌کند و قسم باید به مدعی رد گردد.
 ۶. در بخش رد ادله قول مشهور این روایات خواهد آمد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- اسمیت، دونالد ریجوی. (۱۳۸۰ش). اورولوژی - ارتوپدی. (ترجمه و تلخیص مهدی روحانی و محسن فغفوریان). چاپ اول. تهران: نشر کتاب میر.
- امیل ای تاناگو. (۲۰۰۴). ترجمه کامل اورولوژی عمومی اسمیت. (ترجمه و تلخیص محمد رضا نوروزی و کیوان رادخواه و همکاران). چاپ اول. تهران: نشر تیمورزاده- طبیب.
- امامی، سید حسن. (۱۳۵۴ش). حقوق مدنی خانواده. چاپ پنجم. تهران: اسلامیه.
- دولت‌شاهی، سمانه. (۱۳۸۲ش). ناتوانی جنسی در مردان. چاپ اول. تهران: نشر حیان.
- دی وی، گراهام. (۲۰۰۸ق). آسیب شناسی روانی. ترجمه: مهدی گنجی. چاپ اول. تهران: نشر ساوالان.
- شیرمحمدی، حمیدرضا. (۱۳۸۴ش). درمانهای دارویی در درمان اختلالات جنسی. چاپ اول. تهران: شکوه زبان پروژه.
- صفائی، حسین و امامی، اسد الله. (۱۳۷۹ش). مختصر حقوق خانواده. چاپ سوم. تهران: نشر دادگستر.
- صمدانی فرد، حسین و محمد. (۱۳۸۹ش). ناتوانی جنسی در مردان. چاپ دوم. تهران: ارجمند.
- طاهری، حبیب اله. حقوق مدنی. (۱۴۱۸ق). چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- گاتلیب، بیل. (۱۹۹۵ق). روش های نوین درمان طبیعی. ترجمه: رشاد مردوخی. چاپ چهارم. تهران: نشر نی.
- محتشمی توتکابنی، رضا. (۱۳۸۵ش). تغذیه درمانی در بیماری های رایج. چاپ اول. تهران: نشر ثالث.
- محقق داماد، مصطفی. (بی تا). بررسی فقهی حقوق خانواده- نکاح و انحلال آن. چاپ اول. قم: (بی جا).
- کیانی، مهرزاد؛ گودرزی، فرامرز. (۱۳۸۹). پزشکی قانونی برای دانشجویان رشته حقوق. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)؛ فصل پنجم؛ ص ۳۰۱.

ب) منابع عربی

- ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق.). لسان العرب. چاپ سوم. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- انصاری دزفولی، مرتضی بن محمد امین. (۱۴۱۵ق.). کتاب النکاح. چاپ اول. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم. (۱۴۰۵ق.). الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره. چاپ اول. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- بغدادی، محمد بن محمد بن نعمان عکبری. معروف به «شیخ مفید». (۱۴۱۳ق.). المقنعه. چاپ اول. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- جبعی العاملی، زین الدین بن علی. معروف به «شهید ثانی». (۱۴۱۳ق.). مسالک الأفهام الی تنقیح شرائع الاسلام. چاپ اول. قم: موسسه المعارف الاسلامیه.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق.). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. چاپ اول. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- حسینی اسحاقی حلبی، حمزه ابن علی. معروف به «ابن زهره». (۱۴۱۷ق.). غنیة النزوع فی الأصولین و الفروع. چاپ اول. قم: موسسه امام صادق علیه السلام.
- حسینی روحانی، سید صادق. (۱۴۱۲ق.). فقه الصادق علیه السلام. چاپ اول. قم: دارالکتاب - مدرسه امام صادق علیه السلام.
- حلی، نجم الدین جعفر بن حسن. معروف به «محقق حلی». (۱۴۰۸ق.). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام. چاپ دوم. قم: موسسه اسماعیلیان.
- خمینی، روح اله. (بی تا). تحریرالوسیله. چاپ اول. قم: موسسه مطبوعات دارالعلم.
- سبزواری، سید عبد الأعلى. (۱۴۱۳ق.). مهذب الاحکام. چاپ چهارم. قم: موسسه المنار.
- سبزواری، علی مومن. (۱۴۲۱ق.). جامع الخلاف و الوفاق. چاپ اول. قم: زمینه سازان ظهور امام عصر علیه السلام.
- سبزواری، محمد باقر بن محمد مومن. (۱۴۲۳ق.). کفایه الاحکام. چاپ اول. اصفهان: مهدوی.
- طریحی، فخر الدین. (۱۴۱۶ق.). مجمع البحرین. چاپ سوم. تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- عاملی کرکی، علی بن حسین. معروف به «محقق ثانی» و «محقق کرکی». (۱۴۱۴ق.). جامع المقاصد فی شرح القواعد. چاپ دوم. قم: موسسه آل البيت علیهم السلام.
- فیومی، احمد بن محمد مقری. (بی تا). المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی. چاپ اول. قم: منشورات دارالرضی.
- قمی، محمد بن علی بن بابویه. معروف به «شیخ صدوق». (۱۴۱۵ق.). المقنعه. چاپ اول. قم: موسسه امام هادی علیه السلام.
- نجفی، حسن بن جعفر بن جعفر بن خضر کاشف الغطاء. (۱۴۲۲ق.). انوار الفقها (کتاب النکاح). چاپ اول. نجف: موسسه کاشف الغطاء.
- نجفی، محمد حسن. (بی تا). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. چاپ هفتم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

یادداشت شناسه مؤلف

صدیقه حاتمی: کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه الزهراء (نویسنده مسؤول)
نشانی الکترونیکی: hatamisedighe@yahoo.com

حسین داورزنی: استاد و مدیر گروه رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه تهران
نشانی الکترونیکی: davarzani@ut.ac.ir